

مکتوب محرمانه بهاءالله به کنت دو گوینو

کتابخانه ملی و دانشگاهی استراسبورگ

چند روزی در استراسبورگ بودم تا کتابخانه های آن شهر را مشاهده کنم . استراسبورگ در منطقه سرحدی آلمان و فرانسه و در ناحیه مشهور آلزاس قرار دارد . مردم این ناحیه بزبان آلمانی است که لهجه ای از زبان آلمانی است متکلم اند و بخوبی از کتب و جراید آلمانی استفاده می برند . چندین کتابفروشی در استراسبورگ منحصرأ بفروختن مطبوعات چاپ آلمان اختصاص دارد .

استراسبورگ در غالب جنگهایی که در میان فرانسویان و آلمانیها برای تصرف یا در دست داشتن آلزاس روی داد دست بدست شد . بهمین علت نمونه دو تمدن و دو فرهنگ و دو روحیه متفاوت در شئون مختلف زندگی اهالی این شهر دیده میشود .

کتابخانه «ملی و دانشگاهی» (۱) این شهر پس از کتابخانه ملی پاریس از بزرگترین کتابخانه های فرانسه است که در حدود ۱۷۰۰۰۰ جلد کتاب چاپی و نسخه خطی و مجله و روزنامه دارد . درین کتابخانه تعدادی نسخ عربی و فارسی موجود است که مشخصات هر نسخه بصورت اجمالی در ضمن « فهرست عمومی نسخ خطی کتابخانه های فرانسه » (جلد ۴۸ ، سال ۱۹۲۳) تألیف E. Wickersheimer بدست داده شده است . (۲) از میان نسخ فارسی که جمعاً سی و دو نسخه است آنچه قابل ذکر باشد عبارتست از:

- مثنوی سلسله الذهب جامی مورخ ۹۵۴ بخط نستعلیق که نسخه ایست پاکیزه .
- دیوان حافظ مذهب و مجلس دار بخط نستعلیق خوش مورخ ۱۲۴۸ . اختصاص این نسخه بقالنامه ایست در ۱۵۴ ورق که باول نسخه افزوده شده است .

- مثنویهای «هشت بهشت» و «لیلی و مجنون» امیر خسرو دهلوی . این نسخه باحاشیه زرافشان بخط سلطان علی مشهدی است و از طرف رسول بخارا که بدر بار اکبر شاه هندی رفته باین پادشاه هدیه شده بوده است . چندین سجع مهر سلاطین تیموری هند درین نسخه وجود دارد .

- شیرازنامه زرکوب شیرازی مکتوب در ۱۲۵۱ که یکی از بسارسیان هند بنام جاماسب جی جی باهای بکتابخانه استراسبورگ اهداء کرده است .
- حصارالاشعار (دیوان امیرشاهی) که ظاهراً کتابت قرن نهم است .

۱ - علت اینکه باین کتابخانه اطلاق نام «ملی» نیز کرده اند بمناسبت آنست که جمیع انتشارات و مطبوعات ناحیه رن (Rhim) بمنظور Dépôt legal درین کتابخانه متمرکز میشود و بعد يك نسخه از هر مطبوعه را برای کتابخانه ملی پاریس میفرستند .

۲- قبل از «ویکرشیر» یکی دیگر از کتابداران آن کتابخانه فهرست مختصر مجزائی از نسخ خطی کتب شرقی آن کتابخانه انتشار داده بود .

— مسودات و رونوشت‌های زوتنبرگ (Zotenberg) مستشرق مشهور از گرشاسب نامه و فرامرزنامه که از روی نسخ کتابخانه ملی پاریس استنساخ شده و متضمن تعلیقات و توضیحات مستشرق مذکور است .

— نسخه ممتازی که در میان نسخ عربی این کتابخانه بشماره ۴۲۴۷ وجود دارد ترجمه کتاب بطلمیوس است که ابو جعفر محمد بن موسی خوارزمی عبری نقل کرد و به «کتاب الارض من المدين» مشهور گردانید . این نسخه مورخ ۴۲۸ هجری است . (۱)

☆☆☆

— درین کتابخانه مجموعه ای نفیس و با ارزش از مسودات بعضی از آثار کنت دو گوبینو وجود دارد که پس از مرگ وی بکتابخانه استراسبورگ رسیده است . وقتی از وجود این مجموعه مطلع شدم بحدس دریافتم که بی تردید در لابلای این اوراق بعضی آثار مربوط بایران هم که بطبع نرسیده است دیده خواهد شد . جوینده یابنده بود . بعضی مکاتبات و نوشته‌ها دیدم که پس از این معرفی خواهم کرد .

مختصری در سرگذشت گوبینو :

قطعا خوانندگان مجله یغما می‌دانند که ژرف آرتور کنت دو گوبینو در عهد ناصرالدینشاه قاجار دو بار (بافاصله بسیار کوتاه) بایران آمد . سمت اول او منشی اولی و سمت دومش شارژداری بود . (۲) تاچندی قبل تصویریری از دوران شارژداری بودن او در یکی از نقاشیهای دیواری عمارت لقانطه که سلام نوروزی دربار ناصرالدینشاه را نشان میداد دیده میشد . حالا که بنای لقانطه (اگر اشتباه نکنم عمارت نظام الملک) را خراب کرده‌اند از آن نقاشیها خبری نداریم . (۳)

گوبینو که از اعضای وزارت امور خارجه فرانسه و از ادبای فرانسوی بود در سال ۱۸۱۶ در «ویل داوری» (Ville d'Avray) نزدیک پاریس متولد شد و در ۱۸۸۲ در «تورن» (Turin) درگذشت . دوران خدمت او میان سالهای ۱۸۴۹ تا ۱۸۷۷ بود او بترتیب در ممالک سوئیس ، ایران ، یونان ، برزیل و نروژ خدمت کرد . در دوره ای که بسمت منشی گری بایران آمد نوامبر ۱۸۵۵ همراه هیئتی بود که اعضاء آن عبارت بودند از : بوره Bourée (وزیر مختار) ، کنت دو پیرگو Conte de Perrégaux (منشی دوم که در تبریز درگذشت) ، ژان باپتیست نیکولا (مترجم) ، آمده کری Amédée Querry (مترجم) — کازیمیر آدرین باربیه دومینار C A Barbier de Meynard (وابسته) .

۱- اکنون نمیدانم آن نسخه ای که ازین کتاب بصورت عکسی (فاکسیمیلیه) در حدود ده یا نوزده سال قبل طبع شد از روی کدام نسخه است . کتاب چاپی مذکور در کتابخانه دانشکده حقوق طهران موجود میباشد .

۲- اطلاعاتی که در باب احوال گوبینو نوشته میشود اقتباس از جلد پنجم — Dictionnaire Diplomatique و «نامه های ایرانی» (Les lettres persanes) و کتاب مورس لانزست که بعدا بآنها اشاره خواهم کرد .

۳- درموزه ایران باستان نگاهبانی میشود — تصویر کنت دو گوبینو از روی همین نقاشی در مجله یغما چاپ شده است (مجله یغما)

گوبینو از جهت فکری صاحب اندیشه خاصی بود که فرانسویان آنرا به «گوبینیسیم» (gobinisme) تعبیر می کنند. وی معتقد به برتری نژاد آریایی و با اصطلاح فرنگی aryanisme بود و عده ای پیرو و هم عقیده داشت. به همین علت بیشتر مورد توجه و احترام نویسندگان و متفکرین آلمانی بود تا فرانسوی. آلمانیها مقالات و کتابهای متعدد در باب عقاید وی انتشار داده اند.

گوبینو آثار مختلفی در رشته های تاریخی و ادبی و همچنین چند داستان و قصه تألیف کرد که بعضی از آنها طبع شده است. متأسفانه درین صفحات جای آن نیست که همه آنها صحبت کنیم و ناچار بآن کتابهایی اشاره خواهیم کرد که ارتباطی با مملکت خودمان دارد. اما ناگفته نگذاریم که یکی از مشهورترین کتب او که مورد مباحثات و انتقادات صاحبان فکر و عقیده قرار گرفت و اندیشه فلسفی گوبینورا مینمایاند کتاب «عدم تساوی نژادهای انسانی» است.

گوبینو حدود سه سال در ایران بود (بایک وقفه کوتاه میان دو سفر او) که بتاریخ مسیحی میان سالهای ۱۸۵۵ تا ۱۸۵۸ بوده است. درین مدت زبان فارسی را آموخت. چندانکه توانست متون ادبی و تعزیه های مذهبی را بزبان فرانسوی برگرداند (۱) تا با عقاید و آداب و عادات و رسوم و تاریخ و مذهب و شیوه اندیشیدن عامه ایرانیان آشنا شود، و باطبقات مختلف حشرو نشر پیدا کند. خودش در نامه مورخ ۱۰ ژوئیه ۱۸۵۵ که بخواهرش مینویسد میگوید که «من باروبا که بره یگردم در عربی و فارسی زبردست خواهم بود» (ص ۲۶ نامه های ایرانی).

حاصل اقامت سه ساله در ایران و آموختن زبان فارسی و آشنا شدن با تاریخ ایران تألیف چند کتاب در خصوص ایرانست که اشاره مختصر بآنها برای تمهید فایده این یادداشت لازم است. (۲)

۱ - گوبینو مقدار زیادی از تزیینها را ترجمه کرد که در جلد دوم «ادبان و مکاتب فلسفی در آسیای مرکزی» بطبع رسید.

۲ - درباره احوال و آثار و افکار گوبینو مقالات و کتب زیاد بزبانهای فرانسوی و آلمانی تحریر شده است. آنکه از همه مهیتر و جامع ترست کتابیست که موریس لانژ Maurice Lange (۱۸۷۲-۱۹۲۳) استاد دانشکده ادبیات دانشگاه استراسبورگ تحت عنوان - Le comte De gobineau, Etude biographique et critique - نوشته است و در سال ۱۹۲۴ در جزو انتشارات دانشکده ادبیات استراسبورگ طبع شده است.

پرفسور ولادیسیر مئیورسکی هم در سال ۱۹۲۳ مقاله ای بعنوان «گوبینو و ایران» در شماره اکتبر مجله فرانسوی «اروپا» (Europe) نوشته است.

در زبان فارسی نیز مقدمه ای آقای نصرالله فلسفی در احوال گوبینو بر ترجمه فارسی «تاریخ ایرانیان» نشر کرده اند. تا آنجا که حافظه ام یاری میکند مقاله ای هم بقلم مرحوم عباس اقبال در مجله یادگار انتشار یافت. دیگر آقای دکتر پرویز ناتل خانلری ترجمه بعضی از نامه های خصوصی گوبینو را که از ایران بخواهر و پدر خود نوشته بود و در آنها اشاراتی باوضاع اجتماعی ایران هست در دوره های پنجم و ششم (ظاهراً) مجله سخن چاپ کردند. اصل این نامه ها بقیه حاشیه در صفحه بعد

(۱) «سه سال در آسیا» (Trois ans en asie) که سفرنامه مسافرت گو بیئو بایران است و از دو قسمت ترکیب میشود. قسمت اول مربوط است به شرح مسافرت از هنگام حرکت از بندر مارسی تا زمان بازگشت از ایران. قسمت دوم مباحثی است در باب ادیان و تاریخ ایران و روابط اجتماعی میان ایرانیان. این کتاب اول بار در ۱۸۵۹ و بعد در ۱۹۲۲ طبع شد.

(۲) «تاریخ ایرانیان بنقل از مؤلفات شرقی، یونانی، لاتینی و مخصوصاً بنا بر متون شرقی غیر مطبوع». بشرحی که از حواشی «دوف» بر «نامه‌های ایرانی» استنباط میشود و بنا بر آنچه گو بیئو در نامه‌های خصوصی خود اشاره میکند گو بیئو در هنگام اقامت در ایران کتابی در سه جلد بنام *L'histoire généologique des nations Iraniennes* - مینویسد که اساس و اصل همین تاریخ ایرانیان بوده است و بعداً آنرا با تغییر نام و جزئی دستکاری در سال ۱۸۶۹ در دو جلد نشر میکند. تاریخ ایرانیان در آن ایام از کتب مورد توجه و خواندنی بوده است.

(۳) «داستانهای آسیایی» (Nouvelles Asiatiques) که مجموعه‌ایست از چند داستان کوتاه که موضوع و اشخاص و محیط و وصف داستانها ارتباط بممالک مشرق دارد. داستانهای آسیایی اول بار در سال ۱۸۲۶ و بعداً مکرر بچاپ رسید. (۱)

۱ - ترجمه این کتاب توسط آقای محمد قاضی بنام «افسانه‌های آسیایی» دو سال قبل در طهران انتشار یافت.

بقیه حاشیه از صفحه قبل

(۲۳ نامه) در کتابخانه استراسبورگ است که A. B. Duff بنام *Les lettres persanes* در شماره‌های ۱ و ۲ سال ۱۹۵۲ «مجله ادبیات تطبیقی» چاپ پاریس نشر کرد. اخیراً نیز (آوریل ۱۹۵۷) همان نامه‌ها را با بعضی یادداشتها بصورت مستقل و مجزی مجدداً انتشار داده است و در اول این کتاب آن تصویر گو بیئو که در عبارت لفاظیه بود و اثر صنیع الملک است طبع رسیده است. ناگفته نماند که بعضی دیگر از نامه‌های گو بیئو را که متضمن اطلاعاتی در باب ایران است در دو جلد کتابی که از مکتوبات او طبع شده است باید جست.

آقای پروفور نیکیتین که مقالات تحقیقی او در مجلهٔ یغما بچاپ میرسد و اطلاعاتی دقیق در احوال گو بیئو دارد در پاسخ نامهٔ من می‌نویسد:

«مقالهٔ دوستدار راجع بجناب مسیوق بیئو بعنوان ذیل بچاپ رسیده بود *Le Mihmandar de Gobineau* (در جلد ۱۸ مجلهٔ R. O. سال ۱۹۵۳) یعنی در مجلهٔ هیئت خاورشناسی لهستانی با احترام مرحوم استاد گواالسکی رئیس آن هیئت. مضمون این مقاله دارای یک فاکسیمیل فرمان بتاریخ غرهٔ شهر جمادی الاولی ۱۲۷۸ باسم سرتیب علی نقی خان افشار اورمیه از ایل قاسملوست. اولاً معلوماتی چند در باب افشار و تبعات بنده در این فقره دارد با اشارهٔ به منشی قنسلگری آقای دبیر دیوان تبیرهٔ مهماندار قبیئو. ثانیاً سرگذشت علی نقی خان از رتبهٔ سردسته تا درجهٔ سرتیب اولی. این همه تفصیلات از روی اسناد رسمی ذکر کرده‌ام و بدین مناسبت جلب دقت به معاملهٔ او باب و رعیت میکنم و تشریحاتی راجع بوظیفهٔ مهماندار هم میدهم و متذکر مهماندار علی نقی خان پیش از قبیئوزد سفیر روس Dolgoroukov چنانکه نزد انگلیسی مستشرق شهیر بنام Sir Henry Rowlinson میگردد. ثالثاً در باب اقامت قبیئو در تهران حرف میزنم و ضمناً منال سفر او از پایتخت تا تبریز را معین میکنم.»

(۴) «ادیان و مکاتب فلسفی آسیای میانه» که اول بار در سال ۱۸۶۵ طبع گردید. این کتاب از مشهورترین آثار گوینوست و چند بار طبع شده است (در دو جلد). تألیفات عمده دیگری هم از این دانشمند نامی هست که عجماله مجال شرح و بسط آنها نیست و بهترین است که باصل موضوع، یعنی بشرح مجموعه مسودات گوینو باز گردیم.

مسودات آثار گوینو

آنچه از مسودات و اوراق کنت دو گوینو برای ما ایرانیان واجد اهمیت است این چند فقره است که جهت اطلاع خوانندگان عرض میشود :

(۱) بیست و شش برگ نوشته خط گوینو تحت عنوان Ferydoun که ترجمه فرانسوی داستان پادشاهی فریدون و کشتن ضحاک و ظهور کاوه آهنگرست (شماره ۳۴۹۸).

(۲) پنجاه و هفت برگ نوشته خط گوینو تحت عنوان Koush - Nameh که ترجمه داستانی ایرانی است. متأسفانه قلمت و وقت من و شدت تند نویسی گوینو مانع از آن شد که درباره این کتاب تحقیقی دقیق کنم. (شماره ۳۵۱۲)

(۳) دفترچه لغت فارسی فرانسه در بیست و هشت برگ نوشته بخط گوینو که حدود دوهزار و دویست لغت فارسی بامعناهای فرانسوی آنها درین دفترچه ضبط است و معلوم است که دفترچه لغت نویسی گوینو هنگام تحصیل زبان فارسی می باشد. (شماره ۳۵۱۵)

(۴) یکصد و پنجاه ورق بخط گوینو مربوط به مطالعات در زبانهای شرقی (عربی و فارسی) که بیشتر قواعد دستوری و احیاناً اشتقاق لغات را شامل است (شماره ۳۵۱۶).

(۵) بعضی اوراق بخط گوینو در باب ادیان زردشتی و اسلام و اصول عقاید پیروان این دو آئین (شماره ۳۵۱۴).

(۶) اجمال وقایع دومین سفر بایران در جزء دفترچه خاطرات او (جلد دوم) که متأسفانه بطور امانت به کتابخانه ملی پاریس فرستاده شده بود من آنرا ندیدم (شماره ۳۵۲۰).

(۷) اما آنچه از همه مهمترست عین مکتوبی است از میرزا حسینعلی مشهور به بهاء الله که از «ادرنه» به گوینو نوشته و از او خواسته بوده است تا واسطه ایجاد آسایش و آسودگی زندگی برای اطرافیان و مریدان دینی او که در آن ایام مورد آزار و قتل واقع میشدند بشود. بضمیمه این مکتوب ترجمه فرانسوی آن بخط گوینو نیز موجود است. در ظهر مکتوب مذکور بمرسوم آن عهد سجع مهر بهاء الله دیده میشود که عبارتست از «حسینعلی ۱۲۶۵». گوینو در صدر مکتوب بزبان فرانسوی یادداشت کرده است که «نامه شیخ میرزا حسینعلی، باب» (Le Bab). (۱)

این نامه در جزء مجموعه مکانبات خصوصی دوستان گوینو بشماره ۳۵۳۴ ضبط شده است.

لیون، هفتم خرداد ۱۳۳۶